واکاوی مناسبات گازی تهران، مسکو و دهلی‌نو در نظم جدید انرژی اوراسیا

ایران؛ چهارراه گاز منطقه



طوسی| قرار گرفتن ایران در میانه بزرگ‌ترین دارنده ذخایر گاز جهان در شمال و یکی از پرشتاب‌ترین اقتصادهای مصرف‌کننده در جنوب، فرصتی کم‌نظیر برای معماری یک کریدور جدید گازی را رقم زده است. در این پازل تازه منطقه‌ای، اتصال خطوط انتقال گاز روسیه به هند از بستر سرزمینی ایران، فراتر از درآمدزایی ترانزیتی و مدیریت ناترازی فصلی کشور، موقعیت تهران را به کانون واقعی مدیریت و مبادله انرژی اوراسیا ارتقا می‌دهد.

با توجه به جایگاه گاز به عنوان ستون تاب‌آوری اقتصاد روسیه و عطش روزافزون صنایع هند به حامل‌های انرژی پایدار، جغرافیای ایران کوتاه‌ترین، اقتصادی‌ترین و امن‌ترین مسیر برای همرسانی این عرضه و تقاضاست.

اهمیت این شاهراه زمانی دوچندان می‌شود که به تحولات امنیتی اخیر در غرب آسیا و تثبیت اقتدار و رژیم حقوقی جدید ایران در آبراه حیاتی تنگه هرمز توجه کنیم؛ رخدادی که پیوند مستقیم گاز روسیه به هند از خاک ایران را به اهرم بازدارندگی ژئواکونومیک بدل کرده و همزمان منافع کلان ارزی، نفوذ دیپلماتیک و امنیت پایدار سرزمینی را برای کشور به ارمغان می‌آورد.

در همین چارچوب و برای بررسی ابعاد فنی، فرصت‌های هاب انرژی و چشم‌انداز پیوند گازی سه پایتخت، با نوید هدایتی‌فر، کارشناس حوزه انرژی و سید علی مرتضوی، تحلیلگر سیاست‌گذاری اقتصادی به گفت‌وگو نشسته‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

■مدیریت ناترازی انرژی با واردات و سوآپ گاز روسیه

نوید هدایتی‌فر، کارشناس انرژی درباره اهمیت واردات گاز روسیه در تبدیل شدن به هاب گازی منطقه و منفعت بردن در مسیر ترانزیت گاز به کشورهای منطقه خاطرنشان کرد: واردات گاز از روسیه در فصل سرد سال می‌تواند یکی از راهکارهای راهبردی ایران برای مدیریت ناترازی انرژی و تأمین پایدار سوخت نیروگاه‌های برق باشد.

وی افزود: با توجه به افزایش مصرف گاز در بخش خانگی و تجاری طی ماه‌های سرد سال، بخشی از ظرفیت گازرسانی به نیروگاه‌ها با محدودیت مواجه می‌شود و در نتیجه، استفاده از سوخت‌های مایع از جمله گازوئیل و مازوت برای استمرار تولید برق افزایش پیدا می‌کند.

به گفته این کارشناس انرژی، در چنین شرایطی واردات گاز روسیه از طریق اتصال شبکه‌های انتقال دو کشور و استفاده از ظرفیت سوآپ گازی، این امکان را فراهم می‌کند که بخشی از نیاز نیروگاه‌های کشور از محل گاز وارداتی تأمین شود و فشار بر شبکه داخلی گاز کاهش یابد. این اقدام می‌تواند به مدیریت بهتر سبد سوخت نیروگاه‌ها، کاهش مصرف سوخت مایع در فصل زمستان و افزایش پایداری تولید برق کمک کند.

■سودآوری ارزی با آزادسازی فراورده‌های نفتی

هدایتی‌فر یکی از مهم‌ترین مزیت‌های اقتصادی این راهبرد را آزادسازی حجم قابل توجهی از گازوئیل و مازوتی دانست که در شرایط محدودیت گاز، برای تأمین سوخت نیروگاه‌ها مصرف می‌شود.

وی در این زمینه گفت: در واقع اگر گاز وارداتی روسیه جایگزین بخشی از سوخت مایع نیروگاه‌ها شود، امکان ذخیره‌سازی و عرضه این فراورده‌ها در بازارهای صادراتی فراهم خواهد شد.

وی افزود: این موضوع از آن نظر اهمیت دارد که گازوئیل و فراورده‌های نفتی ایران در بازارهای بین‌المللی؛ به‌ویژه کشورهای شرق آسیا و برخی بازارهای اروپایی، از ظرفیت تقاضا برخوردارند و فروش آن‌ها می‌تواند درآمدهای ارزی قابل توجهی برای کشور ایجاد کند.

■ایران؛ پل انتقال انرژی به هند و بازدارندگی اقتصادی

این کارشناس انرژی با اشاره به اهمیت پل شدن ایران برای انتقال گاز روسیه به هند بیان کرد: تبدیل ایران به پل انتقال گاز روسیه به هند، یکی از مهم‌ترین ابتکارهایی است که می‌تواند منافع اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک کشور را به صورت همزمان تقویت کند. این طرح از یک سو به روسیه امکان می‌دهد بازارهای صادراتی خود را متنوع کند و از سوی دیگر، برای هند مسیر جدیدی در تأمین انرژی فراهم آورد.

وی تأکید کرد: اهمیت این ابتکار صرفاً به درآمدهای ناشی از ترانزیت گاز محدود نمی‌شود. ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی میان کشورهای منطقه، افزایش نقش ایران در کریدورهای بین‌المللی، تقویت همکاری‌های تهران و مسکو و گسترش روابط اقتصادی با دهلی‌نو می‌تواند به شکل‌گیری نوعی بازدارندگی اقتصادی در برابر سیاست‌های فشار و محدودسازی آمریکا کمک کند. هدایتی‌فر خاطرنشان کرد: هرچه نقش ایران در تأمین امنیت انرژی و پیوند دادن بازارهای بزرگ منطقه بیشتر شود، هزینه نادیده گرفتن منافع این کشور در معادلات اقتصادی و سیاسی نیز افزایش خواهد یافت.

> تبدیل ایران به پل انتقال گاز روسیه به هند، فراتر از یک پروژه تجاری، ابزاری راهبردی برای ایجاد بازدارندگی اقتصادی در برابر فشارهای آمریکاست

■ضرورت عبور از نگاه سنتی به صادرات گاز

هدایتی‌فر با اشاره به الزامات تحقق هاب گازی گفت: در شرایط شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای و انتقال تدریجی مرکز ثقل تجارت انرژی به آسیا، ایران نباید صرفاً نظاره‌گر تغییر مسیرهای صادراتی و رقابت قدرت‌های بزرگ باشد. کشور باید با ابتکار عمل در حوزه دیپلماسی انرژی، توسعه زیرساخت‌های انتقال و انعقاد قراردادهای راهبردی، به یکی از معماران نظم جدید انرژی در منطقه تبدیل شود.

وی افزود: تبدیل شدن ایران به هاب واقعی تجارت گاز زمانی محقق می‌شود که کشور بتواند جریان‌های مختلف تولید، مصرف، انتقال، ذخیره‌سازی و مبادله انرژی را مدیریت کند.

وی یادآور شد: در این چارچوب، ایران باید از رویکرد محدود صادرات مستقیم گاز فاصله بگیرد و به سمت توسعه بازارهای منطقه‌ای، قراردادهای سوآپ، تجارت گاز با کشورهای همسایه، ایجاد مراکز مبادله و استفاده از ظرفیت زیرساخت‌های موجود حرکت کند.

■موقعیت ژئوپلیتیک ایران در تحولات انرژی

سید علی مرتضوی، کارشناس حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی درباره نقش کلیدی واردات گاز از روسیه و اهمیت ویژه این واردات به منظور اثرگذاری ایران در تجارت منطقه‌ای گاز گفت: در شرایطی که رقابت قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر منابع انرژی، مسیرهای انتقال و بازارهای مصرف وارد مرحله تازه‌ای شده است، موقعیت جغرافیایی ایران می‌تواند به یکی از مهم‌ترین مزیت‌های راهبردی کشور در معادلات اقتصادی و امنیتی منطقه تبدیل شود.

وی افزود: تحولات ژئوپلیتیکی سال‌های اخیر؛ به‌ویژه تشدید اختلافات روسیه و غرب، محدودیت‌های اعمال شده علیه صادرات انرژی مسکو و تلاش قدرت‌های آسیایی برای تضمین امنیت پایدار انرژی، ضرورت بازتعریف جایگاه ایران در نقشه انتقال گاز منطقه را بیش از گذشته آشکار کرده است.

مرتضوی تصریح کرد: در چنین فضایی تبدیل شدن ایران به پل انتقال گاز روسیه به هند، از طریق ایجاد شبکه‌ای از اتصالات مستقیم و غیرمستقیم گازی می‌تواند فراتر از یک پروژه اقتصادی و تجاری، به یک ابتکار راهبردی برای تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی کشور و ایجاد نوعی بازدارندگی اقتصادی در برابر فشارهای آمریکا تبدیل شود.

■چرخش گاز روسیه از اروپا به آسیا

این کارشناس سیاست‌گذاری اقتصادی با اشاره به گردش گاز روسیه از اروپا به آسیا گفت: یکی از مهم‌ترین تغییرات در جغرافیای سیاسی انرژی جهان، انتقال تدریجی مرکز ثقل تجارت گاز روسیه از بازارهای اروپایی به سمت بازارهای آسیایی است.

وی اظهار کرد: روسیه طی دهه‌های گذشته بخش قابل توجهی از درآمدهای ارزی خود را از طریق صادرات گاز به اروپا تأمین می‌کرد؛ اما تحولات امنیتی و سیاسی سال‌های اخیر و محدودیت‌های گسترده در روابط اقتصادی روسیه و غرب، این الگوی سنتی را با چالش جدی مواجه کرده است.

مرتضوی خاطرنشان کرد: در این میان، چین و هند به عنوان دو اقتصاد بزرگ آسیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. متنوع‌سازی مسیرهای صادراتی و دسترسی به بازارهای جدید، برای مسکو صرفاً یک انتخاب تجاری نیست؛ بلکه بخشی از راهبرد کلان آن برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای اقتصادی غرب محسوب می‌شود.

■هندسه جدید تجارت گاز در اوراسیا

مرتضوی با اشاره به نقش ایران در بازآرایی نقشه تجارت انرژی اوراسیا گفت: ایران می‌تواند با فراهم کردن مسیرهای مکمل انتقال گاز روسیه به جنوب آسیا، در بازآرایی نقشه تجارت انرژی اوراسیا نقش‌آفرینی کند. البته باید توجه داشت که انتقال گاز روسیه به هند از مسیر ایران، به معنای ضرورت ساخت فوری یک خط لوله مستقیم و مستقل از خاک روسیه تا هند نیست.

وی افزود: ظرفیت‌های موجود برای سوآپ، اتصال شبکه‌های گازی، انتقال گاز از مسیر کشورهای آسیای مرکزی و توسعه تدریجی خطوط لوله می‌توانند اجزای مختلف این طرح را تشکیل دهند.

این کارشناس اقتصاد سیاسی تأکید کرد: مزیت اصلی ایران در این الگو، تبدیل شدن به حلقه اتصال میان تولیدکنندگان شمالی و مصرف‌کنندگان جنوبی است؛ نقشی که در صورت طراحی درست قراردادها و زیرساخت‌ها می‌تواند درآمدهای ترانزیتی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و نفوذ اقتصادی کشور را به شکل قابل توجهی افزایش دهد.

برایند دیدگاه‌های کارشناسی نشان می‌دهد، تحقق این پازل راهبردی نیازمند توسعه زیرساخت‌ها، فعال‌سازی سوآپ و پیوند منافع گازی سه کشور است؛ مسیری که اگر با برنامه‌ریزی پیش برود، هم ناترازی‌های داخلی را التیام می‌دهد و هم جایگاه تهران را در نظم جدید انرژی اوراسیا محکم می‌کند.

گزارش

تحلیلی بر افت حدود ۲۰ درصدی قیمت نفت و سیگنال‌های پنهان در بازارهای آتی

بازار نفت، پایان جنگ را پیش‌خور کرده است؟



رنگ‌آمیز| بازار جهانی نفت در ماه‌های اخیر به یکی از حساس‌ترین دماسنج‌های سنجش ریسک‌های ژئوپلیتیک تبدیل شده است. برخلاف بسیاری از بازارهای مالی، نفت پیوندی ناگسستنی با چرخه فعالیت‌های اقتصادی، زنجیره جهانی تأمین، هزینه‌های لجستیک و نرخ تورم دارد و از همین رو، هر نوسان آن بازتابی مستقیم بر اقتصاد کلان جهان می‌گذارد.

در همین چارچوب، بررسی نوسان‌های اخیر بازارهای بین‌المللی نشان می‌دهد قیمت نفت پس از یک دوره التهاب، با ریزش سنگین ۲۰ درصدی همراه شد و شاخص برنت تا کانال ۹۰ دلار عقب‌نشینی کرد؛ رخدادی که سیگنالی معنادار از تغییر چشم‌انداز معامله‌گران نسبت به تنش‌های خاورمیانه قلمداد می‌شود.

در جریان این موج اصلاحی، بهای هر بشکه نفت خام برنت در محدوده ۹۰ دلار و نفت وست‌تگزاس اینترمدیت در حوالی ۸۰ دلار رقم خورد. این افت چشمگیر در شرایطی به ثبت رسید که هنوز توافق فراگیری برای پایان درگیری‌ها حاصل نشده بود و دغدغه امنیت انرژی در خلیج‌فارس و تنگه هرمز همچنان به قوت خود باقی بود؛ پارادوکسی آشکار که رفتار بازارهای مشتقه و پیش‌خور شدن انتظارات سیاسی را در کانون توجه تحلیلگران قرار داده است. از منظر تحلیل اقتصادی، این رفتار بازار نشان می‌دهد معامله‌گران صرفاً قیمت‌گذار وضعیت موجود نیستند؛ بلکه انتظارات خود از آینده عرضه و معادلات سیاسی را پیشاپیش در قیمت‌ها لحاظ می‌کنند. برای واکاوی لایه‌های زیرین این روند، با مهدی بنی‌اسدی، کارشناس اقتصادی به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

■بازارهای مالی چه چیزی را قیمت‌گذاری می‌کنند؟

بنی‌اسدی با اشاره به تمایز میان تحلیل سنتی انرژی و بازارهای مالی گفت: بسیاری از ناظران گمان می‌کنند قیمت نفت تنها تابع حجم تولید چاه‌ها یا ظرفیت پالایشگاه‌هاست؛ اما واقعیت این است که در دوران بحران، بهای نفت بیش از جریان فیزیکی، تابع جریان انتظارات در بازارهای مشتقه است.

وی افزود: قیمت نفت در شرایط التهاب، برایندی از عوامل بنیادی و مؤلفه‌ای به نام «صرف ریسک ژئوپلیتیکی» یا هزینه ترس است. وقتی بازار حس کند مسیرهای دریایی یا صادرات کشورها در خطر است، این هزینه ترس روی قیمت نفت کشیده می‌شود. افت اخیر قیمت‌ها، لزوماً به معنای فروکش کردن قطعی بحران نیست؛ بلکه نشان می‌دهد معامله‌گران، بخشی از آن ریسکِ انباشته را از قیمت‌ها تخلیه کرده‌اند.

■قراردادهای آتی؛ دماسنج انتظارات در بازارهای مشتقه

این تحلیلگر بازارهای مالی در تشریح ساختار معاملات آتی تصریح کرد: برای درک اینکه فعالان حرفه‌ای بازار چه سناریویی را برای آینده متصورند، باید به جای قیمت لحظه‌ای، به قراردادهای آتی نگاه کنیم. جالب است بدانید در حال حاضر، قیمت نفت برای تحویل در همین روزها، گران‌تر از ماه‌های آینده است؛ وضعیتی که در اصطلاح بازار به آن «بک‌واردیشن» یا همان قیمت بالاتریِ کالای نزدیک می‌گویند.

وی با استناد به داده‌های معاملاتی ادامه داد: بررسی قیمت‌های تسویه نشان می‌دهد قرارداد ژانویه ۲۰۲۷ نفت برنت ۹۸/۳۲ دلار، فوریه ۹۵/۶۵ دلار و مارس ۹۳/۳۰ دلار قیمت‌گذاری شده است. این شیب نزولی گویای آن بوده که بازار در کوتاه‌مدت به دلیل دغدغه کمبود عرضه، حاضر به پرداخت پریمیوم (هزینه اضافی) است؛ اما برای ماه‌های آتی انتظار دارد با مدیریت تنش‌ها، فشار بر عرضه تعدیل شود.

بنی‌اسدی تأکید کرد: البته این قیمت‌ها به معنای تقویم قطعی صلح نیست؛ هزینه‌های تأمین مالی، انبارداری و لجستیک نیز در این قیمت‌گذاری دخیل‌اند و معامله‌گران، این متغیرها را به صورت تجمیعی محاسبه می‌کنند.

■سایه انتخابات آمریکا بر موازنه انرژی

بنی‌اسدی در ارزیابی اثرات سیاسی انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا بر بازارهای جهانی گفت: پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات سوم نوامبر و تسلط بر هر دو مجلس کنگره، موازنه قدرت در واشنگتن را تحت تأثیر قرار داده؛ اما در ارزیابی این تحول نباید دچار شتاب‌زدگی شد.

وی افزود: کنگره جدید از سوم ژانویه ۲۰۲۷ (۱۳ دی ۱۴۰۵) عهده‌دار امور می‌شود و تا آن زمان، ساختار فعلی زمام‌دار است. اختیارات گسترده رئیس‌جمهور در حوزه نظامی نشان داده اختلاف احزاب در کنگره، مانع مطلق تصمیم‌گیری‌های کلان نیست. این تغییرات بیشتر از آنکه به معنای چرخش ناگهانی سیاست خارجی باشد، به مفهوم افزایش هزینه‌های سیاسی دولت در عرصه تصمیم‌گیری است.

■تنگه هرمز؛ کانونی برای مدیریت هزینه‌های لجستیک

این کارشناس بازارهای مالی با تأکید بر نقش راهبردی تنگه هرمز خاطرنشان کرد: برای تحمیل فشار هزینه‌ای انرژی بر اقتصاد جهانی، نیازی به سناریوهای دراماتیک نظیر مسدودسازی کامل نیست. افزایش ریسک تردد، رشد نرخ بیمه دریایی و تردید شرکت‌های کشتیرانی برای تغییر مسیر ناوگان، برای جهش قیمت تمام شده انرژی کفایت می‌کند.

وی اظهار کرد: انعکاس این نوسان‌ها را به وضوح در رویکرد بانک‌های مرکزی بزرگ نظیر فدرال رزرو می‌بینیم؛ جایی که نفت محرک اصلی تورم محسوب می‌شود. هرچند افت قیمت نفت خبر مطلوبی برای مهار تورم است؛ اما نباید از خاطر برد که تورم جهانی ریشه‌های ساختاری در زنجیره تأمین دارد و با کاهش مقطعی نفت، به سادگی فروکش نمی‌کند.

■اقتصاد ایران در هزارتوی نوسان‌های نفت

بنی‌اسدی در تحلیل پیامدهای این تحولات بر اقتصاد ایران گفت: اقتصاد کشور با معادله‌ای چندوجهی روبه‌رو است؛ رابطه بهای جهانی نفت و درآمدهای ارزی ملی، خطی نیست.

اگر رشد قیمت جهانی، ریشه در بحران‌های نظامی داشته باشد، بخش عمده‌ای از منافع آن در قالب هزینه‌های گزاف لجستیک، تخفیف‌های اجباری و موانع تسویه بانکی مستهلک می‌شود.

وی یادآور شد: در تحلیل‌های داخلی نباید دچار خطای دیدِ آماری شد.

در شرایطی که بازار نفت در کانون نوسان میان تخلیه ریسک و شوک‌های عرضه قرار دارد، فعالان اقتصادی باید فراتر از هیاهوی تیترهای سیاسی، ترکیبی از متغیرها شامل بهای برنت، اسپرد قراردادهای آتی، وضعیت واقعی تردد نفتکش‌ها و موانع عملیاتی صادرات را به صورت یکپارچه رصد و تحلیل کنند.

گفتنی است؛ بهای نفت خام برنت در اوج التهابات و در پی تشدید تنش‌های منطقه‌ای، با جهشی بی‌سابقه و متأثر از «صرف ریسک جنگی» تا مرز ۱۱۵ دلار در هر بشکه نیز اوج گرفته بود. در آن مقطع، عواملی نظیر افزایش چشمگیر هزینه‌های بیمه جنگی کشتیرانی، تهدید امنیت خطوط انتقال انرژی و احتمال مسدودسازی شریان‌های حیاتی خلیج‌فارس، بازار نفت را با یک حباب تنشی مواجه کرد؛ وضعیتی که با ورود بازار به فاز اصلاحی اخیر و عقب‌نشینی به کانال ۹۰ دلار، نشان داد معامله‌گران بخشی از سناریوهای بدبینانه خود را تعدیل کرده‌اند.